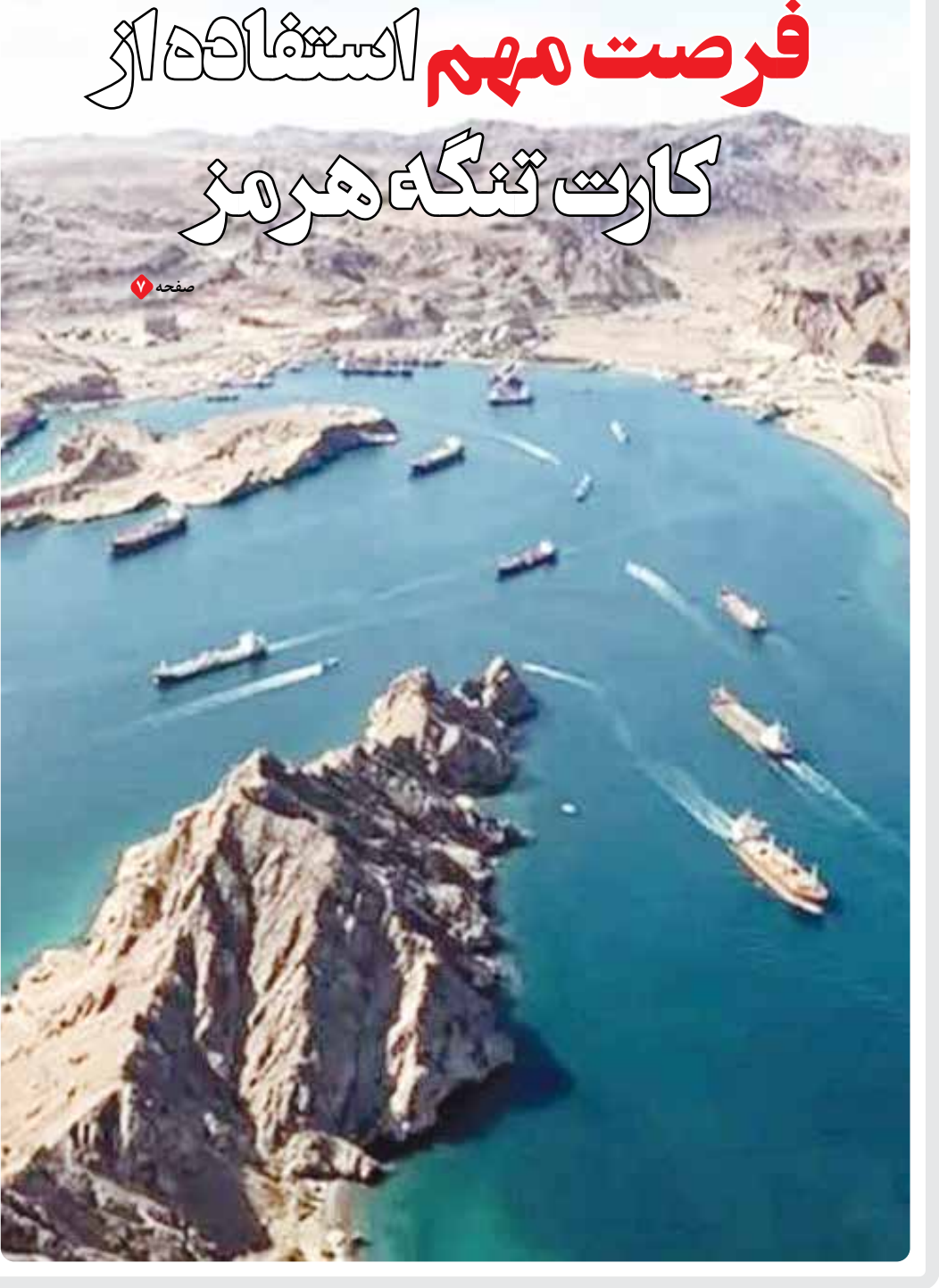


ایران چگونگی می تواند نقش مهم و تاریخی در قبال چین بازی کند؟



تهدیدرئیس جمهوری آمریکا چقدر جدی است؟

بلوف‌سیاسی ترامپ

صفحه ۲



چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۵

۱۱ ذی‌القعده ۱۴۴۶

۲۹ آپریل ۲۰۲۶

سال بیست‌ودوم

شماره ۶۱۶۳

۸ صفحه

۴۰۰۰ تومان

استدلال

چرا منطقه نیازمند رویکرد مدبرانه است؟

ایران و سیاست اولویت همسایگی

مسقط گرچه سال‌هاست، پایتخت آشنایی در مقاصد سفرهای مقامات ایران است اما سفر اخیر وزیر امور خارجه به این شهر و دیدار با مقامات عمانی هم از منظر زمان و هم انگیزه قابل تامل است. سفری که پس از جنگی سخت و در سایه تهدیدات منطقه‌ای آمریکا انجام شد تا از یک سو تأکیدی بر اولویت همسایگان برای ایران باشد و از سوی دیگر نشانه‌هایی از تغییرات در معادلات همسایگی در منطقه.

به گزارش ایرنا، «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه شامگاه شنبه پنجم اردیبهشت، در اس هباتی دیپلماتیک وارد مسقط شد تا روابط ایران با سلطنت‌نشین عمان وارد مرحله تازه‌ای شود. مرحله‌ای پس از یک جنگ سخت که همچنان سایه آن بر سر منطقه است و می‌تواند بار دیگر معادلات همسایگی را تغییر دهد. صبح روز بعد، وزیر امور خارجه ایران در کاخ البر که مسقط مهمان «هیثم بن طارق آل سعید» سلطان عمان بود. جایی که عراقچی هم از رویکرد مسئولانه عمان در کمک به روندهای دیپلماتیک پیش از جنگ از وی قدردانی کرد و هم از موضع مدبرانه سلطان عمان در قبال جنگ تحمیلی آمریکا-اسرائیل علیه ایران. سلطان عمان هم شهادت رهبر شهید انقلاب اسلامی و دیگر مقام‌های عالیرتبه سیاسی و دفاعی و شهروندان ایرانی در جریان تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، را تسلیت گفت و به رهبر جدید و رئیس‌جمهور ایران سلام رساند.

عراقچی در این دیدار بر چند موضوع و موضع مشخص ایران در قبال عمان به صورت خاص و منطقه به صورت عام، تأکید کرد:

–عزم ایران برای صیانت از روابط دوستانه با عمان و دیگر کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس.

شرح درصفحه ۲



اولین بازرگی در بودجه ۱۴۰۵

کلیدی خورد

تاب‌آوری مردم چقدر

است؟

صفحه ۲



پایان تجاری‌سازی دسترسی به اینترنت در ایران، ضرورتی عدالتی است

سودجویی

با «خط سفید»

صفحه ۲

خبر

«علی الزیدی» به بحران نخست‌وزیری در عراق پایان می‌دهد؟

تحلیل‌گر مسائل عراق، با بیان این‌که «علی الزیدی» نخست‌وزیر مکلف عراق یک تاجر و سرمایه‌گذار بزرگ است که پیش از این هیچ جایگاه و سمت سیاسی، اجرایی نداشته است، اظهار کرد: طبیعتاً پرونده سفید او در زمینه سیاسی و وزیری تکنوکراتش می‌تواند به پذیرش الزیدی توسط بازیگران داخلی و خارجی منجر شود.

سیدرضا قزوینی در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به این پرسش که چرا یک چهره ناشناخته شده از سوی چارچوب هماهنگی شیعیان عراق به عنوان نخست‌وزیر جدید این کشور معرفی شده است؟ اظهار کرد: معرفی آقای علی الزیدی به عنوان نامزد رسمی چارچوب هماهنگی شیعیان، بعد از مدت‌های طولانی تنش و کش و قوس و اختلافات شدید صورت گرفت. البته نخستین گزینه چارچوب هماهنگی، آقای نوری مالکی بود که به دلیل مخالفت و مداخله‌جویی رئیس‌جمهور آمریکا، این انتخاب دچار چالش شد و برخی گروه‌های شیعی نیز به این مداخله‌جویی ترامپ که ناشی از هراس از اقدامات تنبیهی آمریکا و حتی خرسندی برخی شخصیت‌های شیعی از حذف مالکی بود، واکنش مثبت نشان دادند.

این تحلیل‌گر مسائل عراق خاطرنشان کرد: تمسک مالکی به استمرار نامزدی خود تا یک مقطع خاص، مخالفت بخشی از چارچوب هماهنگی با وی، ظهور اسم‌های جدید، احتمال فروپاشی چارچوب هماهنگی به دلیل سوء اختلافات، معرفی شدن رئیس‌جمهور جدید و افتادن توپ در زمین شیعیان و ضرورت عجله به خرج دادن برای معرفی گزینه نخست وزیری در بازه قانونی و البته پایان این مهلت قانونی، اتخاذ برخی اقدامات توسط واشنگتن مانند عدم ارسال پول‌های عراق و اختلاف بر روی اسم های جدید مطرح شده، باعث شد تا در نهایت چارچوب هماهنگی به سمت گزینه‌ای غیرجنجالی پیش برود که رضایت همه طرف‌ها را به طور پیش فرض کسب کند. حداقل خط قرمز خارجی و مشخص آمریکایی روی فرد معرفی شده نباشد و در حقیقت شخصیتی باشد که بتواند سیاست‌های ترسیم شده چارچوب هماهنگی و برخی از رهبران عالی آن را اجرا کند بنابراین آنها به سمت معرفی یک گزینه شناخته نشده رفتند.

قزوینی در پاسخ به این سوال که اساسا معرفی یک چهره ناشناخته که نه در انتخابات حضور داشته و نه سابقه اجرایی در دولت دارد، از منظر قانون اساسی عراق قابل دفاع است یا این انتخاب، اراده سیاسی «چارچوب هماهنگی» را بر متن قانون ترجیح داده است؟ اظهار کرد: این انتخاب با قانون اساسی مغایرت ندارد.

حضور در انتخابات یا داشتن سوابق سیاسی شرط معرفی به عنوان نخست‌وزیر نیست. نخست‌وزیر حداقل در ظاهر منتسب به هیچ‌کدام نمی‌شود و این امر تابع منافع و مصالح سیاسی و پیچیده داخلی و خارجی است.

قزوینی در پاسخ به این پرسش به نظر شما نگاه ایران و آمریکا به عنوان دو بازیگر مهم در عرصه تحولات عراق به این انتخاب چیست؟ خاطرنشان کرد: شخصیت آقای الزیدی واقعا شخصیت ناشناخته‌ای است. او یک تاجر و سرمایه‌گذار و بانکدار کلان و بزرگ است، هیچ جایگاه و سمت سیاسی و اجرایی حکومتی و دولتی نداشته است. به همین جهت حتی در میان مردم هم شناخته شده نیست. طبیعتاً پرونده سفید او در زمینه سیاسی و تکنوکرات بودن او می‌تواند به پذیرش وی توسط بازیگران داخلی و خارجی منجر شود.

وی افزود: واشنگتن تا این لحظه دربارہ این انتخاب واکنش نشان نداده است. البته اینکه الزیدی حداقل در ظاهر منتسب به هیچ‌کدام از رهبران سیاسی شناخته شده و جنجالی عراقی نیست می‌تواند فرصتی برای واشنگتن برای پذیرش او باشد.

الزیدی پیش از این مدیر یکی از بانک‌های عراقی بوده است که مورد تحریم و مجازات‌های واشگتن قرار گرفته بود. اما از یک سو می‌توان احتمال داد که همین موضوع به اتخاذ در پیش گرفتن رویه محتاطانه نسبت به او منجر شود. به هر حال او توسط چارچوب هماهنگی انتخاب شده و یکی از ارکان اصلی در معرفی و یا حداقل پذیرش او، آقای مالکی بوده است.

محسنی اژه‌ای:

آغوش کشور به روی محبان وطن باز است

مصون بماند؛ او نیز در کودک‌کشی دشمن، سهیم است و باید تقاص پس دهد؛ در اینجا قانونگذار با مجازات‌هایی نظیر سلب حیات و مصادره اموال، به حسب، میان جرم و مجازات تناسب‌یابچاد کرده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، به مقوله مقبولیت اجتماعی اجرائی فرایندمصادره اموال خائنین به وطن نیز گریزی زد و گفت: وفق باخوردهایی که طی مدت اخیر از مردم و عموم شهروندان دریافت کرده‌ایم متوجه شده‌ایم که اجرائی بدون تنازل و فاطلعانه قانون توقیف و مصادره اموال عناصر خائن به وطن، با اقبال و استقبال عمومی مواجه شده است؛ ملت ایران اطمینان داشته باشند که خادمان آنها در سنگر قضا، در اجرائی این قانون، کوچکترین ممانعتی را با مجرمان و محکومان به خرج نخواهند داد و مَرّ قانون را در قبال تک تک خائنین به وطن اجرا خواهند کرد.

رئیس قوه قضاییه خاطرنشان کرد: در رابطه با اجرائی بدون کم و کاست، دقیق و جامع فرایند شناسایی، توقیف و ضبط اموال عناصر خائن به وطن، دستورات مؤکدی خطاب به مراجع ذیصلاح قضایی ارائه شده است و همه ارکان ذریبط، با جدیت و سرعت در حال طی فرآیندهای مربوط به این امر هستند؛ در همین راستا، تمهیداتی در باب منع انتقال و منع تنظیم وکالتنامه برای فروش اموال عناصر خائن و همچنین تسریع در ضبط اموال آنها پس از شناسایی و توقیف، اتخاذ شده و نتایج مطلوبی در این رابطه حاصل شده است.

رئیس قوه قضاییه با اشاره به جنایات متعدد و متکرر دشمن در تجاوز به ایران و نقش عناصر خائن در این جنایات، تصریح کرد: در تجاوز صورت گرفته به ایران اسلامی، زیرساخت‌های ملی هدف قرار گرفت؛ زیرساخت‌هایی که برای رفاه حال ملت و تعالی‌مردم ایجاد شده بود؛ فلذا آن فردی که در شناسنامه ایرانی است، اما در واقع، در دسته ایران‌ستیزان تاریخ است، باید تاوان همراهی‌اش با متجاوز را مسافیر، ما بر اهریبد بازتوزیع ثروت‌هایتوقیف‌شده در جهت منافع عمومی و بازسازی زیرساخت‌ها، تأکید مؤکد داریم. رئیس عدلیه عنوان کرد: ما هیچگاه از دایره عدالت خارج نمی‌شویم و به جد معتقدیم که توقیف و مصادره اموال خائنین به وطن و شرکای داخلی متجاوزین، عین عدالت و عدالت‌گستری است. این امر علاوه بر مستندات و پشتوانه حقوقی و فقهی، یک ضرورت غیرقابل انکار ملی و میهنی است؛ کسانی که علیه امنیت مردم و ثبات کشور اقدام کرده‌اند، نباید انتظار مصونیت اموال و دارایی‌های‌شان را داشته باشند.

قاضی القضاات با بیان اینکه فردی که با رژیم‌های متجاوز و متخاصم همراهی و همکاری می‌کند، در واقع شریک جنایت آنهاست، گفت: در جنگ تحمیلی سوم، دشمن متجاوز، به هر جنایتی علیه مردم ایران دست زد؛ از حمله به مدرسه و بیمارستان تا موشک زدن به منازل مسکونی مردم؛ آن فردی که خود را ایرانی می‌نامد و به این دشمن زبون و زذل یاری رسانده، نباید از دست انتقام ملت ایران

اقداماتی شدند، اما اکنون متنبه شده‌اند و تجاوز دشمن به خاک وطن، رگ غیرت‌شان را رنجانده است و علیه دشمن موضع گرفته‌اند؛ خطاب به این دسته از هم‌وطنان می‌گویم که آغوش وطن به روی‌شان باز است و ما از بازگشت آنها استقبال می‌کنیم. البته در اینجا باید ذکر کنم ما برای عناصری که به وطن ضربه زده‌اند، فرش قرمز پهن نمی‌کنیم لکن تأکید داریم آنها که هنوز حب وطن دارند و از تجاوز دشمن به کشورشان، متألم‌اند، می‌توانند به کشورشان بازگردند.

رئیس دستگاه قضا در ادامه با تشریح مستندات قانونی، ضمیمه عناصر خائن به وطن، گفت: توقیف و ضبط اموال عناصر خائن به وطن و وطن‌فروشان، فعلی مستند به متن قانون و منطبق با نص صریح قانون است؛ لوله حقوقی و اثباتی بر این فقره و باب، مرتب است؛ لکن فراتر از این عرصه، کاربرد میحت عرفان حقوقی در این فقره است؛ فردی که به هر نحوی از انحاء با دشمن متجاوز، درنده و کودک‌کش، همراهی و همصدایی کرده، نه صرفاً یک عنصر معاند یا ضدانقلاب، که یک ایران‌ستیز و خائن به وطن است و هیچ ننگی شاید بالاتر از این نباشد.

وی خاطرنشان کرد: قوه قضاییه در نهایت اقتدار و صلابت قضایی و مُستظهر به مشروعیت مُثبت از نص صریح قانون، اموال عناصر خائن به وطن را که با دشمن متجاوز همراهی کرده‌اند، به نفع ملت، توقیف و مصادره می‌کند. اهریبد ما در این فقره «توقیف به نفع ملت» و «استرداد به نفع ملت» است.

خروج رسمی امارات از اوپک و اوپک پلاس

شوگ بزرگ به بازار نفت

اقدامات کافی برای محافظت از این کشور در برابر پاسخ ایران به تجاوزگری آمریکایی صهیونی در طول جنگ انتقاد کرد.

پایان ۶ دهه عضویت امارات در اوپک

خبرگزاری دولتی امارات متحده عربی (WAM)، روز سه‌شنبه تأیید کرد که این کشور از اول ماه مه از اوپک و اوپک‌پلاس خارج می‌شود و به این ترتیب به حدود شش دهه عضویت در این گروه پایان می‌دهد و سومین تولیدکننده بزرگ خواهد بود که از این گروه خارج می‌شود. این یکی از مهم‌ترین خروج‌ها در تاریخ اوپک است. ابوظبی مدت‌ها قبل منتظر این اقدام بود. امارات متحده عربی در سال ۱۹۶۷ به اوپک پیوست، اما تنش با عربستان سعودی بر سر سهمیه تولید سال‌هاست که در حال افزایش است.

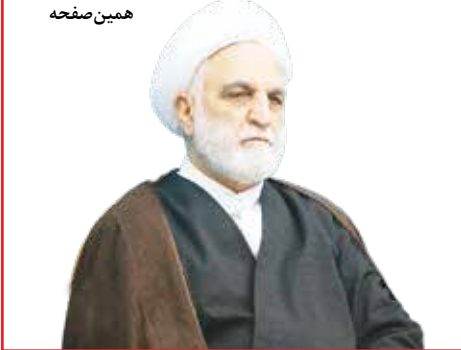
طبق توافق اوپک پلاس، این کشور تقریباً ۳ میلیون بشکه در روز تولید داشته است، در حالی که ظرفیت تولید آن بالای چهار میلیون بشکه است. شرکت اندوک در تلاش است تا سال ۲۰۲۷ به پنج میلیون بشکه در روز ظرفیت تولید برسد و این هدف با سهمیه‌هایی که بر اساس دیدگاه شخص دیگری از بازار ساخته شده‌اند، به سختی قابل تطبیق است. همچنین، جنگ در یمن هر آنچه از صبر دیپلماتیک باقی مانده بود را شکست. نیروهای سعودی اوایل امسال آنچه را که یک محموله سلاح غیرمجاز مرتبط با امارات متحده عربی به مقصد جنوب یمن می‌نامیدند، رهگیری کردند و سپس بر حملات هوایی به بندر مکلا حمله کردند. ابوظبی مسلح کردن جدایی‌طلبان را تکذیب کرد. روابط بین این دو کشور خلیج فارس از آن زمان تاکنون مانند گذشته نبوده است.

سهبیل المزروعی، وزیر انرژی امارات متحده عربی، مدتی است که مسیر حرکت را تلگراف می‌کند. او در اواخر سال ۲۰۲۲ گفت: «نفت، هر چقدر هم

محسنی اژه‌ای:

آغوش کشور به روی محبان وطن باز است

همین صفحه



سرمقاله

سید عبدالجواد موسوی



دشمنی با قالیباف یا خدمت به نتایج‌هو

این‌که رسایی و ثابتی و نظائر این‌ها بیابانۀ حمایت از تیم مذاکره‌کننده و قالیباف را امضاء نکردند شاید در یک شرایط عادی می‌توانست قابل تحسین هم باشد. شاید آن‌وقت می‌توانستیم بگوییم این‌ها اهل رنگ و ریا نیستند و حاضر نیستند برای خوش‌آمد و بدآمد دیگران رای و نظرشان را تغییر بدهند.

شاید در آن‌موقع عدم همراهی این‌ها با دیگر نمایندگان گواهی بود بر اصولگرایی‌شان. اما حالا، یعنی وقتی که صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها‌کمر به نابودی ایران و ایرانی بسته‌اند این حرکات بچه‌گانه یک معنا بیش‌تر نمی‌دهد و آن‌هم این‌که این چند نمایندۀ خارج‌آهنگ نه تنها ذره‌ای درک سیاسی بلکه هیچ فهمی هم از ایران و ایرانی بودن ندارند. مگر می‌شود تا این اندازه خصومت‌های سیاسی و جناحی را در تصمیمات کلان کشور دخالت داد؟

نمی‌دانم فیلم ثابتی را در یکی از همین شب‌های حضور مردم در میادین دیده‌اید یا نه؟ رفته‌است بین جمعیتی و آن‌ها را تحریک می‌کند تا به ظریف و روحانی و آخوندی لعن و نفرین بفرستند. یعنی در شب‌هایی که قرار است تجلی وحدت‌ملی باشد به دنبال اهداف و اغراض خاص سیاسی و شخصی‌اش می‌گردد. حالا روحانی و ظریف به کنار، واقعا چند درصد از آن جمعیت اصلا ذغدغه عباس آخوندی را دارند؟ و اصلا چرا در این غوغایی که هست و نیست ایران مورد تهدید قرار گرفته و یابویی از آن سوی دنیا شعار نابودی تمدن ایرانی سر می‌دهد مردم باید به عباس آخوندی فحش بدهند؟ چقدر سقفا مطالبات و خواسته‌های یک آدم سیاسی که اسم خودش را نماینده مردم گذاشته باید کوچک و حقیر باشد که در چنین هنگامه‌ای چنین توقعی از مردم دارد؟

ادامه درصفحه ۲